

تحلیل انتقادی مواجهه فقیهان و اصولیان با اخبار من بلغ و تبیین خوانشی نوین از قاعد تسامح در ادله سنن

دکتر فاطمه انصاری

استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه قم، قم، ایران

Email: fa.ansar92@gmail.com

چکیده

شمار قابل توجهی از فقیهان برای اثبات استحباب برخی از اعمال به قاعده‌ای استناد می‌کنند که با نام تسامح در ادله سنن شهره است. مهمترین دلیل اثبات این قاعده، خانواده‌ای از احادیث است که نام «اخبار من بلغ» بر آنها نهاده شده است. اما دانشوران شیعی در مواجهه با این اخبار برای اثبات قاعده تسامح، هم نظر نیستند. پرسش اصلی این است که آیا می‌توان با بهره از اخبار من بلغ، به حجیت اخبار ضعاف در روند استنباط احکام دست یافت یا خیر؟ این جستار به روش توصیفی-تحلیلی و با بهره از منابع کتابخانه‌ای به دنبال تبیین رویکردهای گوناگون به احادیث من بلغ است. برای نیل به این هدف، با بررسی نگاشته‌های گوناگون علوم اسلامی، به دست آمد که سه رویکرد عمده اصولی، فقهی و کلامی در این باره قابل ارزیابی است. اما هر یک از این رویکردها با چالش‌هایی برای اثبات رهیافت خویش از اخبار من بلغ مواجه هستند. پس از تبیین کاستی‌های این رویکردها، استظهاری نوین از اخبار من بلغ ارائه شده که بن‌مایه آن بر برهان معقولیت استوار است. در این خوانش از اخبار من بلغ، عمل نمودن به هر گزاره محتمل المطلوبیه‌ای نزد مولا، به سبب معقولانه بودن آن و احتمال دریافت نتیجه‌ای سترگ، روا خواهد بود. اما برای جلوگیری از ایجاد هرج و مرج لازم است برای عمل به اخبار ضعاف لازم است ضوابطی در نظر گرفته شود. این ضوابط به شکل ذیل تبیین شده اند: عدم انتساب عمل به شرع، وجود نداشتن معارض معتبر شرعی یا عقلی و عدم اشتهار ناقلان گزاره به دروغ‌پردازی. تبیین شرائط روا بودن عمل به اخبار ضعاف بیانگر آموزه‌های غیر الزامی، دستاورد دیگری است که رویکرد برگزیده را ضابطه‌مند می‌سازد.

واژگان کلیدی: اخبار من بلغ، ثواب، تسامح در ادله سنن، استحباب شرعی، احتمال مطلوبیت.

۱. مقدمه و طرح مسأله

در روند استنباط احکام فقهی، دست‌یافتن به حکم استحباب شرعی، بسیار پر بسامد است. به گونه‌ای که در نگاشته‌های فقه استدلالی و فتوایی، موضوعی را نمی‌توان یافت که فروعاً بر شمار مستحبیه‌ای برای آن ذکر نشده باشد. هم‌چنین تعداد قابل توجهی از احکام عبادی و کنش‌های اجتماعی در شمار مکروهات قرار دارند. فقیهان برای دست‌یافتن به احکام غیر الزامی (استحباب و کراهت) از چند روش ذیل بهره می‌گیرند:

۱) استناد به ادله لفظی بیانگر حکم: این رویکرد بر استظهار از واژگان بیانگر وضعیت حکم و مجموعه ادلی لفظی استوار است.

۲) استناد به ادله لُبی: دلیل فتوا دادن به برخی از احکام غیر الزامی، تنها وجود اجماع یا سیره‌ای متشرعانی است که در گذر زمان به دست پسینیان رسیده است.

۳) استناد به قاعده تسامح در ادله سنن: بسیاری از فقیهان برای اثبات استحباب برخی از امور به قاعده‌ای استناد می‌کنند که به موجب آن ضعف سند اخبار بیانگر احکام غیر الزامی یا فضائل اعمال، مانعی برای استدلال به این اخبار در روند استنباط نخواهد بود.

در میان ادله پیش گفته، استناد به قاعده تسامح در ادله سنن با چالش‌های کبروی و صغروی روبروست. به این بیان که هم به اصل قاعده اشکالاتی وجود دارد و هم بر تطبیق قاعده بر شماری از اخبار ضعیف. مهمترین دلیل برای اثبات قاعده تسامح در ادله سنن، مجموعه‌ای از احادیث است که به «اخبار من بلغ» مشهورند.^۱ پژوهش حاضر با بهره از منابع‌اسنادی و به روش توصیفی-تحلیلی در پی اعتبار سنجی مواجهه فقیهان با اخبار پیش گفته و رویکرد آنان به قاعده تسامح است. برای دست یافتن به این هدف، پس از تبیین رهیافت دانشوران شیعی به اخبار من بلغ، به بررسی و نقد هر یک از این رویکردها پرداخته شده است. در گام پسین، خوانشی نوین از اخبار من بلغ ارائه شده است که جانمایه آن بر برهان معقولیت استوار است. فرضیه پژوهش این است که اخبار من بلغ بیانگر حکم ارشادی عقل به انجام اعمالی هستند که احتمال مطلوب بودن آنها نزد شارع وجود دارد. این فرضیه قابل تسری به پرهیز از اعمالی که احتمال میغوضیت آنها عندالشارع وجود دارد، نیز خواهد بود.

۲. پیشینه

از قاعده تسامح در ادله سنن در نگاه‌های مختلف دانش‌های اصول، فقه، درایه الحدیث و فقه الحدیث سخن به میان آمده است. نگاه‌های مستقلی نیز توسط متأخران و معاصران درباره این قاعده به تحریر در آمده است. برای نمونه شیخ اعظم انصاری فصلی از کتاب «رسائل فقهیه» خویش را به تبیین این قاعده، ویژه داشته است. در آثاری چون «الرسائل الاربع»^۲ (۱۴۱۵ق) به کوشش جعفر سبحانی، کتاب «قاعده التسامح فی ادله السنن، حقیقتها، ادلتها و تطبیقاتها» به قلم ناهده جلیل الغابی؛ «قاعده التسامح فی ادله السنن» (۱۳۹۵) به همت محمد جواد فاضل لنکرانی؛ نیز دستاورد معاصران درباره این قاعده تبیین شده است. حسب جستجوی به عمل آمده برخی از مهمترین مقالاتی که در سالهای اخیر به جنبه ماهیت شناسی این قاعده پرداخته اند به شرح ذیل هستند:

^۱ . شماری از اخبار من بلغ در ابتدای بخش ۳ خواهند آمد.

^۲ . فصل چهارم از این کتاب به تبیین قاعده تسامح اختصاص دارد که به قلم علی اکبر کلاتری تقریر شده است.

در مقاله «اعتبار سنجی و مفهوم شناسی احادیث من بلغ» (۱۳۹۷) به قلم محمود کریمیان، اخبار من بلغ، یکی از ادله نقلی حجیت خبر دانسته شده و مدلول آنها، تبیین شرائط حجیت خبر واحد دانسته شده است.^۱ علی اکبر کلانتری در دو مقاله «تسامح در ادله سنن، قاعده‌ای ناکار آمد» (۱۳۸۹) و «چگونگی مواجهه فقها با اخبار من بلغ و برداشتی نو از این اخبار» (۱۳۹۷) به دنبال اثبات نادرست بودن تسامح در پذیرش اخبار ضعیف بیانگر اخبار احکام غیر الزامی بوده و مفاد اخبار من بلغ را خبر از تفضل و عنایت پروردگار نسبت به بندگان می‌دانند که با امید تحصیل ثواب به محتوای اخبار معتبر عمل کرده‌اند. در مقاله «روایات من بلغ؛ راهبردی از سوی صادقین علیهما السلام در برابر اختلاف حدیث» (۱۴۰۱) به کوشش سیده طاهره سید ناری و حسین ستاری، موضوع روایات من بلغ، مربوط به فردی دانسته شده است که بر اساس خبری عمل کرده، در حالیکه این خبر مطابق با واقع نبوده است. در این حالت وی بی‌بهره از ثواب نخواهد ماند. به دیگر سخن، به نظر نگارندگان، مفاد اخبار من بلغ، بیانگر استحقاق ثواب بواسطه انجام حکم ظاهری است.

با وجود این تلاش‌های درخور توجه، پژوهشی را نمی‌توان یافت که انواع رویکردها به اخبار من بلغ را کاویده و ادله استظهارهای گوناگون از این اخبار را تبیین نموده باشد. نوآوری پژوهش حاضر را می‌توان استظهاری نوین از اخبار من بلغ و قاعده تسامح در ادله سنن دانست که بر تقریری عقلانی استوار است. هم چنین، شرایطی برای عمل به مفاد گزاره‌های محتمل المطلوبیه در نظر گرفته شده که گستره بهره از آنها را محدود می‌سازد. هم چنین حسب جستجوی به عمل آمده، بررسی و نقد رویکرد فقهی انگیزانندگی و رویکرد کلامی به اخبار من بلغ، دارای پیشینه پژوهشی نمی‌باشد.

۳. رویکردها در مواجهه با اخبار من بلغ

باورمندان به کارآمدی قاعده تسامح در ادله سنن، به دلایلی استناد می‌کنند که مهمترین آنها مجموعه‌ای از اخبار است که با عنوان «اخبار من بلغ» مشهور شده‌اند. در ادامه برخی از این اخبار ذکر می‌گردد:

- نگارنده کتاب «المحاسن» حدیثی را از پدرش با اسناد و متن ذیل نقل چنین نقل کرده است: «عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ النَّضْرِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مَرْوَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ: «مَنْ بَلَغَهُ عَنِ النَّبِيِّ (ص) فِيهِ الثَّوَابُ فَعَمِلَ ذَلِكَ طَلَبَ قَوْلِ النَّبِيِّ (ص) كَانَ لَهُ ذَلِكَ الثَّوَابُ وَإِنْ كَانَ النَّبِيُّ ص لَمْ يَقُلْهُ».^۲

- ثقة الاسلام کلینی به اسناد خویش حدیث موثقی را چنین گزارش می‌نماید: «مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ، عَنْ عِمْرَانَ الزَّعْفَرَانِيِّ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مَرْوَانَ، قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: «مَنْ بَلَغَهُ ثَوَابٌ مِنَ اللَّهِ عَلَى عَمَلٍ، فَعَمِلَ ذَلِكَ الْعَمَلَ التَّمَسَّاسَ ذَلِكَ الثَّوَابُ، أَوْ تَبَّهُ وَإِنْ لَمْ يَكُنِ الْحَدِيثُ كَمَا بَلَغَهُ».^۳

۱. کریمیان، اعتبار سنجی و مفهوم شناسی اخبار من بلغ، ۹.

۲. برقی، المحاسن، ۱/ ۲۵.

۳. کلینی، الکافی، ۳/ ۲۲۵.

- در کتاب وسائل الشیعه نیز حدیثی از طریق سید بن طاووس از شیخ صدوق به شکل ذیل نقل شده است: «أَحْمَدُ بْنُ فَهْدٍ فِي عُدَّةِ الدَّاعِي قَالَ رَوَى الصَّدُوقُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَعْقُوبَ بِطَرَفِهِ إِلَى الْأَيْمَةِ أَنَّ مَنْ بَلَغَهُ شَيْءٌ مِنَ الْخَيْرِ فَعَمِلَ بِهِ كَانَ لَهُ مِنَ الثَّوَابِ مَا بَلَغَهُ وَإِنْ لَمْ يَكُنِ الْأَمْرُ كَمَا نُقِلَ إِلَيْهِ».^۱

روایات دیگری با مضمون احادیث بالا را در مجموعه تراث روایی می‌توان مشاهده نمود.^۲ اسناد و محتوای این اخبار به گونه‌ای است که باور به تواتر معنوی یا حداقل استفاضه درباره آنها، ناروا نخواهد بود.^۳ کسانی نیز با بهره از شهرت عملی و مقبول بودن این اخبار نزد دانشمندان بزرگ امامیه، واکاوی‌های سندی درباره این اخبار را لازم ندانسته‌اند.^۴ به نظر می‌رسد با وجود اخبار من بلغ، استناد به اجماع و شهرت در قامت ادله مستقل کارآیی نداشته باشد. چراکه وجود اجماع، محتمل المدرکیه می‌نماید و شهرت عملی هم تنها جابر ضعف سند اخبار ضعاف است نه اخباری که حداقل به حد استفاضه رسیده‌اند. همانگونه که گفته شد از لابلای نگاشته‌های فقهی می‌توان دریافت که دانشوران شیعی در استظهار از اخبار من بلغ همدستان نیستند. در این بخش کوشش شده که انواع رویکردهای کهن و نوین به این اخبار در سه رده اصولی، فقهی و کلامی افزای و تبیین گردد. ذیل هر بخش نیز به بررسی و نقد ادله باورمندان به آن رویکرد پرداخته شده است.

۳-۱. رویکرد اصولی

بیشینه دانشوران اصولی در مباحث حجیت خبر واحد بر این باورند که هر خبر واحدی را نمی‌توان حجت دانست، بلکه حجیت تنها مربوط به اخباری است که از طریق راویان عادل یا ثقه به دست رسیده باشد.^۵ بر اساس این مبنا، خبر ضعیفی که به صدور آن اطمینان وجود نداشته باشد، حجیت نخواهد داشت و استناد به آن برای اثبات حکم شرعی روا نخواهد بود. با این حال، مشهور بر این باورند که اخبار من بلغ بیانگر لغو شرائط حجیت اخبار آحاد در اخبار رهنمون بر احکام غیر الزامی است. در این دیدگاه، شرایط مربوط به حجیت اخبار آحاد تنها به اخبار بیانگر احکام الزامی مربوط دانسته شده است. شیخ انصاری می‌نویسد: «المشهور بین أصحابنا و العامة التسامح في الأدلة السنن، بمعنى عدم اعتبار ما ذكره من الشروط للعمل بأخبار الآحاد: من الإسلام و العدالة و الضبط في الروایات الدالة على السنن فعلا أو تركا».^۶ به دیگر سخن، ادله بیانگر اشتراط شرایطی مانند عدالت راوی،^۷ با اخبار من بلغ، تخصیص خورده و در مورد مستحبات نیازی به احراز این شرایط

۱. حرعاملی، وسائل الشیعه، ۱/ ۸۲.

۲. برای نمونه ر.ک: برقی، المحاسن، ۱/ ۲۵؛ ابن طاووس، اقبال الاعمال، ۲/ ۶۲۹؛ حرعاملی، وسائل الشیعه، ۱/ ۸۱-۸۲.

۳. میرزای قمی، قوانین الاصول، ۴۸۴؛ بجنوردی، القواعد الفقهیه، ۳/ ۳۳۱.

۴. انصاری، رسائل فقهیه، ص ۱۹۶؛ آشتیانی، بحر الفوائد، ۵/ ۳۰.

۵. برای نمونه ر.ک: بروجردی، حاشیه علی الکفایه الاصول، ۲۶۰؛ صدر، بحوث فی علم الاصول، ۴/ ۳۴۴-۳۴۵.

۶. انصاری، رسائل فقهیه، ۱۳۷.

۷. مهمترین دلیل لفظی بر اشتراط این شرط آیه ذیل است: «يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا أَنْ تُصِيبُوا قَوْمًا بِجَهَالَةٍ فَتُصِيبُوا عَلَى مَا فَعَلْتُمْ نادمين» (حجرات: ۶).

نیست.^۱ به دیگر سخن در مورد اخبار بیانگر احکام غیر الزامی، شرائطی مانند اسلام، عدالت و ضابط بودن در مورد راوی از اعتبار ساقط خواهند شد.^۲

بر اساس این رویکرد، برای وقوع کذب در اخبار فضائل، یقینی وجود ندارد؛ پس می‌توان شک در آنها را از گونه شک در موضوعات دانست که در آن برائت جاری خواهد شد. هم چنین، علم اجمالی به مخالفت اخبار با واقع، مانعی از عمل کردن به محتوای آنها نخواهد بود؛ چرا که مخالفت احتمالی محذوری ندارد.^۳ پس اگر خبر ضعیفی بیانگر حکمی غیر الزامی بود، می‌توان با بهره از اخبار من بلغ به محتوای آن عمل نمود. شهید ثانی در اشاره به این رویکرد چنین می‌نویسد: «جوّز الأكثر العمل بالخبر الضعیف فی نحو القصص و المواعظ و فضائل الأعمال، لا فی صفات الله تعالی و أحكام الحلال و الحرام».^۴

در این دیدگاه، اخبار من بلغ در مقام انشاء بوده و واژگانی چون «فعله» در اخبار من بلغ به معنای انشاء بوده و دریافت ثواب به نحو مطلق و از هر راهی روا خواهد بود.^۵ به دیگر سخن، فعل ماضی در مقام انشاء و هم طراز با مفهوم «فلیعمله» به کار رفته است. هم چنین، منظور از ثواب در این اخبار، همان ثواب مورد نظر در مستحبات است نه ثوابی که برای مفهوم فراگیر دال بر وجوب و استحباب به کار می‌رود. در این رهیافت از اخبار من بلغ، اخبار ضعیف بیانگر احکام غیر الزامی و فضائل اعمال بدون اشاره به جعل استحباب یا اباحه شرعی در انجام آنها، مقبول خواهند بود. مکلفان نیز مجاز خواهند بود که به محتوای اخبار ضعیف عمل نمایند و برای عمل به آنها، مستحق دریافت ثواب می‌گردند، هر چند که اثبات شود، محتوای خبر با واقع، مطابق نبوده است.

اگر مفاد اخبار من بلغ، عدم جریان شرائط لازم برای حجیت اخبار آحاد بیانگر احکام غیر الزامی دانسته شود، می‌توان آن را در قامت مسأله‌ای اصولی ارزیابی نمود.^۶ چرا که ویژگی مسائل اصولی، بهره از آنها در قامتی اصلی قابل استناد در روند استنباط است. باور به بی‌نیازی از احراز شرائط حجیت اخبار آحاد در اخبار بیانگر غیر الزامی هم، اصلی خواهد بود که به یاری مجتهد در مواجهه با چنین اخباری می‌آید.

۱. نایینی، اجود التقريرات، ۲/ ۲۰۸؛ آشتیانی، بحر الفوائد، ۴/ ۱۱۸.

۲. ن.ک: مجلسی، بحار الانوار، ۲/ ۲۵۶؛ شیخ بهایی، الحبل المتین، ۲۲۸؛ انصاری، رسائل فقهیه، ۱۳۷؛ حسینی مراغی، العناوین الفقهیه، ۱/ ۴۲۰.

۳. روحانی، زبده الاصول، ۴/ ۳۵۸.

۴. شهید ثانی، الدرايه، ۲۹.

۵. ن.ک: نایینی، اجود التقريرات، ۳/ ۴۱۳.

۶. انصاری، رسائل فقهیه، ۱۴۷.

حسب آنچه گفته شد دو دلیل عمده باورمندان به عدم لزوم احراز شرایط حجیت اخبار آحاد در اخبار بیانگر احکام غیر الزامی عبارت است از: (۱) تخصیص عموم آیه نباء با اخبار من بلغ و (۲) سیاق انشایی اخبار آحاد. در ادامه به بررسی و نقد این دو دلیل پرداخته می‌شود.

بر اساس منطوق آیه نباء، پذیرش اخبار دریافته شده از فرد فاسق بدون تحقیق کافی درباره صحت آن، ناروا خواهد بود. هم چنین به سبب عمومیت مفهوم «نباء» در این آیه و عدم انصراف آن، نمی‌توان مفاد آنرا به اخبار دربردارنده احکام الزامی ویژه داشت. حتی اگر تخصیص پذیری این آیه با اخبار من بلغ پذیرفته شود، ادله دیگر بیانگر شرایط حجیت اخبار آحاد قابل تخصیص نیستند. چرا که مهمترین دلیل بر این مسأله، سیره عقلاست. عقلا نیز در پذیرش گزاره‌های نقل شده از افراد فاسق، تفاوتی میان احکام الزامی و غیر الزامی قائل نیستند. بلکه تنها از جنبه انتساب اخبار به شریعت به دنبال ادله قابل قبول هستند. اما در گزاره‌هایی که به نیت رفتار شرعی معتبر انجام نمی‌شود، به هر گونه احتمالی ولو احتمال جزئی ناشی از خیر فاسق نیز بی توجهی تام نمی‌کنند. به دیگر سخن، عقلاء تنها در انتساب حکمی به شریعت، سخن افراد فاقد شرایط پیش گفته را نمی‌پذیرند اما گزاره‌هایی که بدون اتصاف آنها به حکم شرعی به خردمندان برسد، در خور توجه و تأمل عقلاء بوده و می‌کوشند با بهره از قرائن دیگر به اعتبار سنجی آن بپردازند. در این باره در بخش ۴-۱ بیشتر سخن خواهد رفت.

ممکن است چنین به نظر برسد که میان ادله حجیت اخبار آحاد و مفاد اخبار من بلغ، رابطه عموم و خصوص من وجه برقرار است. به این بیان که موضوع اخبار من بلغ در حوزه اخباریست که دربردارنده ثوابی هستند؛ ولی ادله حجیت اخبار آحاد، همه اخبار در بردارنده احکام را در بر می‌گیرند. ماده اشتراک این دو، مستحباتی است که دربردارنده ثواب باشند. اما این برداشت استوار نیست چراکه دلیل بنیادی براعتبار شروط حجیت خبر واحد مانند وثاقت و عدالت، سیره عقلاست که برداشت اصولی از اخبار من بلغ با سیره عقلاء ناسازگار است. هم چنین، باور داشتن به حجیت مجموعه اخبار ضعیف دربردارنده فضائل اعمال، با روایات فراوانی که در مجعول بودن آنها شکی نیست، مخالف خواهد بود.

هم چنین اخبار من بلغ را نمی‌توان در مقام انشاء حکم دانست. چراکه اخبار من بلغ به نحو دلالت مطابقی، بیانگر جمله‌ای خبری هستند که در قالب جمله شرطیه و ترتب جزا بر شرط آمده است. جزای جمله «من بلغ شیء من الثواب» را نمی‌توان عبارت «فَعَمَلُهُ» دانست، بلکه جزای آن «کان له اجر ذلک» است. جمله «فَعَمَلُهُ» در این اخبار، جمله‌ای خبری و جزئی از شرط است. ظهور جمله خبریه در انشاء، زمانی شکل می‌گیرد که خود جمله بیانگر حکم باشد نه بیانگر موضوع. در اخبار من بلغ، واژگانی چون «فَعَمَلُهُ» و «من بلغه» بخشی از شرط هستند نه جزء آن. پس توانایی بیان حکم در آنها وجود نخواهد داشت. ظاهر فاء در «فَعَمَلُهُ» نیز بر این معنا رهنمون است که موضوع برای ترتب ثواب، عملی است که فاعل، آن را با انگیزه درک ثواب وعده داده شده انجام دهد. در حالی که در برداشت اصولی، جمله «فَعَمَلُهُ» به معنای انشایی گرفته شده و «بلوغ ثواب»، از هر راهی مجاز دانسته شده و «ثواب» را نیز تنها در گستره مستحبات جاری می‌دانند. انصراف داشتن واژه ثواب در

این اخبار به ثواب حاصل از مستحبات نیز نارواست. چراکه کاربست عناوینی چون «ثواب»، «خیر» و «فضیلت» در این روایات اعم از مستحبات و واجبات است و قرینه‌ای بر انحصار این واژگان به مستحبات وجود ندارد.

۳-۲. رویکردهای فقهی

اگر مراد از اخبار من بلغ، ترتب ثواب بر فعل مکلف دانسته شود، می‌توان آنها را بیانگر حکمی فقهی دانست. چون در آن از یکی از احکام خمس - یعنی استحباب - برای انجام عملی بحث می‌شود. حسب جستجوی به عمل آمده، فقیهان باورمند به برداشت فقهی از اخبار من بلغ، نظریه واحدی در استظهار از این روایات ندارند. در ادامه به تبیین هر یک از این رویکردها پرداخته خواهد شد.

۳-۲-۱. استحباب به عنوان اولی

برخی از باورمندان به قاعده تسامح، مفاد اخبار من بلغ را به این شکل می‌دانند که اگر در خبری میزان ثواب بر عملی درج شده باشد، می‌توان فهمید که آن عمل راجح و مستحب شرعی است. برای نمونه اگر در خبری آمده باشد که دعا کردن هنگام رؤیت ماه نو دارای ثواب یک حج است و فردی این عمل را به نیت تحصیل این ثواب انجام دهد، پروردگار هم همان میزان ثواب را به او اعطاء می‌کند، حتی اگر آن خبر واقعا از معصوم صادر نشده باشد. پس اخبار ضعیف بیانگر فضائل اعمال، بر استحباب آن اعمال رهنمون خواهند بود.^۱

در این رویکرد، ثواب موعود در مفاد اخبار ضعیف، به خود همان عمل تعلق می‌گیرد نه تنها به عملی که با انگیزه ثواب، انجام پذیرد.^۲ چراکه داعی عمل، هرگز سبب ایجاد عنوان و وجهی برای عمل نمی‌شود. در این حالت، بلوغ ثواب بر عملی، علت استحباب شرعی به عنوان اولی قرار می‌گیرد و فرد می‌تواند مطلقاً عمل را به عنوان استحباب شرعی انجام دهد.^۳ به این بیان که وعده ثواب بر عملی در این اخبار، ظهور در استحباب دارد. در واقع قاعده‌ای فقهی از مفاد اخبار من بلغ به شکل ذیل استخراج می‌شود: «کل ما بلغ فیه ثواب فهو مستحب». تقریر دیگر این است که عمل به اخبار ضعیف بیانگر ثواب بر عملی، در واقع عمل بر اساس مؤدای خبر است. یعنی استحباب عمل با بهره از اخبار من بلغ به عنوان اولی به اثبات می‌رسد.

بررسی و نقد

همانگونه که آشکار است اتصاف به حکم شرعی برای اعمال، نیازمند دلیل معتبر شرعی است. نگارنده کتاب حدائق الناضره در این باره چنین می‌نگارد: «استحباب حکمی شرعیست و بهره از تعلیل عقلی و مناسبات ذوقی برای اثبات احکام شرعی

۱. حسینی مراغی، العناوین الفقهیه، ۱/ ۴۲۰.

۲. آخوند خراسانی، کفایه الاصول، ۲/ ۲۳۶.

۳. ن.ک: حکیم، المحکم فی اصول الفقه، ۴/ ۱۴۰.

دچار اشکال است).^۱ پس، خبر ضعیف توانمندی لازم را برای دریافتن حکم استحباب و اباحه را ندارد.^۲ در اخبار من بلغ، وعده ثواب به ذات فعل تعلق نگرفته تا استحباب را به نحو مطلق به اثبات برساند. بلکه متیقن از آن همان فعل انجام شده به انگیزه تحقق امر واقعی و تحصیل ثواب است. چراکه زیرا در صحیحیه «مَنْ سَمِعَ شَيْئاً مِنَ الثُّوَابِ عَلَى شَيْءٍ، فَصَنَعَهُ، كَانَ لَهُ أَجْرُهُ وَإِنْ لَمْ يَكُنْ عَلَى مَا بَلَغَهُ»،^۳ بلوغ به جهت انگیزه سازی، علتی برای عمل در نظر گرفته شده است.^۴

۳-۲-۲. استحباب به عنوان ثانوی

بنا بر دیدگاهی مشابه، مفاد اخبار من بلغ جعل استحباب برای فعلی است که ثواب آن به دست رسیده است. چراکه زیرا در فقراتی مانند «فعمل التماس ذلك الثواب» و «طلب قول النبي (ص)» در اخبار من بلغ، قید لحاظ کردن داعی ثواب در انجام عمل در نظر گرفته شده است. به دیگر سخن، فعل مورد نظر بعد از عروض عنوان ثانوی بلوغ ثواب، عملی خواهد شد که دارای استحباب شرعی است. و عمل، به شرطی مستحب می شود که شخص، آنرا به انگیزه تحصیل ثواب موعود انجام دهد. این عمل را می توان به مواردی چون نذر و عهد تنظیم نمود. در این موارد، عروض عنوان ثانویه سبب استقرار یکی از احکام اربعه استحباب، وجوب، حرمت یا کراهت بر فعلی خاص می شود که تا پیش از این، این حکم را نداشت.^۵ در واقع عنوان ثانوی بلوغ ثواب، انگیزاننده شخص به انجام عمل خواهد بود. برخی دیگر بر این باورند که بلوغ خبر، سبب ایجاد مصلحتی در عمل می شود که آنرا به گونه ثانوی، مستحب می گرداند.^۶ قدر جامع همه این برداشتها آن است که اخبار من بلغ، رهنمون به استحباب عملی خاص به عنوان ثانوی هستند. به دیگر سخن، تنها زمانی آن عمل مستحب خواهد شد که کنشگر آن به نیت دریافتن ثواب وعده داده شده، آن را انجام دهد. تفاوت این دیدگاه با برداشت قبلی در آن است که در این رویکرد، قید قصد کنشگر نیز لحاظ شده و استحباب تنها در صورتی مترتب خواهد شد که چنین قصدی وجود داشته باشد.

بررسی و نقد

جعل استحباب به عنوان ثانوی نادرست می نماید. چراکه در داوری درباره اطلاق اخبار من بلغ، نیک آشکار است که ثواب مترتب بر انجام عمل، به دو گونه استحقاقی یا تفضلی متصور است بود. از عباراتی چون «ان كان لم يقله»^۷ در این اخبار، چنین دانسته می شود که نفس عمل، ملاک حقیقی بهره از ثواب را دارا نیست. و مصلحت عمل به آن ذاتی نیست، چون محتمل است که از معصوم صادر نشده باشد. پس حتماً این ثواب تفضلی خواهد بود. بر این اساس، مفهوم «بلوغ ثواب»،

۱. بحرانی، الحدائق الناضره، ۴/ ۱۹۷ و ۱۲/ ۲۲۴.

۲. حرعاملی، الفصول المهمه، ۱/ ۶۱۸؛ میرداماد، الرواشح السماویه، ۱۱۹.

۳. کلینی، الکافی، ۳/ ۲۲۵.

۴. حکیم، المحکم فی اصول الفقه، ۴/ ۱۴۷.

۵. خاتون آبادی، متن کامل اربعین، ۵۳؛ اصفهانی، هدایه المسترشدين، ۳/ ۴۷۱؛ خوبی، دراسات فی علم الاصول، ۳/

۳۰۲.

۶. عراقی نجفی، الغوالی اللالی فی فروع العلم الاجمالی، ۷۳.

۷. حرعاملی، وسائل الشیعه، ۱/ ۸۱.

امری عارضی خواهد بود که سبب پیدایش مصلحت شده است. در حالیکه دریافتن خبر ضعیف رهنمون بر استحباب عملی خاص، توانمندی ایجاد مصلحتی مستقل را ندارد.^۱

هم چنین به نظر می‌رسد که قصد اشخاص توان ایجاد حکم استحباب را ندارد. به ویژه اینکه در دیدگاه شیعی، احکام بر اساس مصالح و مفاسد واقعی شکل گرفته‌اند. توضیح اینکه به باور مشهور دانشوران شیعی، میزان مصلحت یا مفاسد حقیقی موجود در افعال و متعلقات احکام یگانه‌عاملی است که سبب تشریح حکم الزامی یا غیر الزامی برای آنها می‌شود. بر این اساس، نمی‌توان برای عملی که مصلحتی حقیقی ندارد، حکم استحباب را به اثبات رساند. چراکه استحباب عملی که در واقع مستحب نبوده، با قانون تبعیت احکام از مصالح موجود در افعال و متعلقات احکام مخالف خواهد بود.

۳-۲-۳. انگیزش برای حفظ مستحبات

این دیدگاه وجود دارد که حکمت دریافت ثواب بر اساس اخبار من بلغ، قابل تنظیر با منفعتی است که از طریق جُعاله در نظر گرفته می‌شود. به این بیان که احکام استحبابی در مجموعه‌ای از اخبار صحاح و ضعاف بیان شده‌اند. از طرفی اهمیت حفظ مستحبات و عمل مکلفان به آنها در نظر شارع چنان سترگ است که برای انگیزانندگی مکلفان به انجام آنها، بر هر خبری که بیانگر حکم استحبابی باشد، وعده ثواب داده است.^۲ در این رویکرد، اخبار من بلغ، به استحباب ذاتی انجام عمل، رهنمون نیستند؛ بلکه تنها در بردارنده حکمی تشویقی خواهند بود که سبب انگیزش مکلفان می‌شود. برای نمونه برای پیاده روی جهت زیارت امام حسین (ع)، ثوابی در نظر گرفته شده، در حالیکه نفس پیاده روی دارای ثوابی نیست، بلکه بهره‌مندی از ثواب، به جهت تشویق شیعیان به زیارت و نمایش شکوه آنان خواهد بود.^۳ باورمندان به این رویکرد، هدف از بیان اخبار من بلغ را تشویق عموم مردم به انجام اعمال مستحبی می‌دانند که به نحو نوعی در انجام آنها ضرری دیده نمی‌شود.^۴

بررسی و نقد

در جُعاله، برای یافتن چیزی جُعَل قرار داده می‌شود. و در صورت نیافتن آن چیزی به جستجوگر تعلق نمی‌گیرد، هر چند که زحمت زیادی را متحمل شده باشد. اما در عمل به اخبار ضعاف، تضمینی وجود ندارد که عمل، مطابق با واقع باشد. به دیگر سخن سخن تنظیر جُعاله به مفاد اخبار من بلغ بدین جهت استوار نیست که تنها شرط بهره‌مندی از ثواب در اخبار من بلغ، انجام عمل به نیت تحصیل ثواب است، اما در جُعاله بهره‌مندی از پاداش مشروط به دریافتن شیء مورد نظر است نه صرف انجام عملیات جستجو.

۱. خوبی، مصباح الاصول، ۱/ ۳۱۹.

۲. ر.ک: موسوی خمینی، انوار الهدایه، ۲/ ۱۳۲.

۳. همان، ۲/ ۱۳۳.

۴. صافی، المحججه فی تقریرات الحججه، ۲/ ۳۲۹.

هم چنین اگر مدلول اخبار من بلغ، ایجاد رغبت و شوق انگیزی به انجام اعمال مستحبات دانسته شود، انگیزه فرد عمل کننده به دو شکل ذیل متصور خواهد بود: ۱) به مفاد اخبار به نیت انجام عمل استجابی می‌نگرد و ۲) نیت دیگری از انجام عمل دارد. لازمه نیت اول، تشریح حکم استجاب بدون استناد به دلیل معتبر است که سبب ایجاد بدعت می‌گردد. اما اگر انجام دهنده مفاد اخبار ضعاف در بردارنده ثواب اعمال، نیت دیگری غیر از انجام عمل مستحبی داشته باشد، یعنی حفظ مستحبات، روی نداده است. بلکه انگیزه دیگری مانند درک ثواب یا پیروی از حکم عقل و احتیاط، انگیزاننده وی بوده است.

۳-۳. رویکرد کلامی

برخی با استناد به اطلاق کلمه ثواب در روایات من بلغ، آنها را در مقام بیان لغو شرائط مورد نیاز برای حجیت اخبار آحاد در احکام غیر الزامی نمی‌دانند.^۱ ثواب در دانش لغت شناسی بیانگر مفهومی عامی است که در برابر انجام اعمال نصیب انسان می‌شود، چه این نتیجه پسندیده باشد یا ناگوار.^۲ پس دلیلی وجود ندارد که دامنه این اخبار را منحصر به احکام غیر الزامی بدانیم. بلکه هر عملی که قابلیت بهره از پاداش یا عقوبت الهی را داشته باشد در این رده می‌گنجد. خواه عملی الزامی باشد یا مندوب. این برداشت با حدیث ذیل نیز هم آواست. امام صادق (ع) از پیامبر اکرم (ص) نقل می‌کنند که فرمودند: «مَنْ وَعَدَهُ اللَّهُ عَلَى عَمَلٍ تَوَابًا فَهُوَ مُنْجَرُّ لَهُ وَ مَنْ أَوْعَدَهُ عَلَى عَمَلٍ عِقَابًا فَهُوَ فِيهِ بِالْخِيَارِ».^۳ با بهره از قرینه مقابله در دو جمله شرطیه می‌توان فهمید که واژه «عمل» مطلق است. به این بیان که اگر خداوند بر عملی وعده ثواب داده، چه آن عمل واجب باشد و چه مستحب؛ قطعاً وعده الهی محقق خواهد شد.

این رویکرد بر تبیین بهره مندی از تفضل الهی بواسطه انجام اعمالی رهنمون است که از طریقی معتبر به دست رسیده باشند. چراکه زیرا مفهوم «بلوغ ثواب»، به معنای دریافتن نتیجه اعمال از طرق معتبر است.^۴ یکی از فقیهان در این باره چنین می‌نگارد: «فالمراد بتلك الاخبار انه إذا بلغ المكلف بالطريق العقلاني المطمأن به رجحان عمل مع منع تركه».^۵ هم چنین، سیره عقلاء در عمل به خبر واحد بر این واقع شده که خبر، باید از راههای معتبر به دست برسد نه از طریق راویان ضعیف.^۶ اما با وجود تحصیل خبر از طرق معتبر هم، اطمینان کاملی به مطابقت مفاد اخبار با واقع وجود ندارد. به دیگر سخن، در عمل به اخباری که از نظر اصطلاحی، صحیح ارزیابی می‌گردند، گونه‌ای از تشویش و عدم اطمینان وجود دارد. در این حالت، شارع حکیم برای زدودن این تشویش، از طریق بیان اخبار من بلغ، گونه‌ای از دل آرامی و اطمینان را برای مکلفان

۱. سبحانی، الرسائل الرابع، ۳۴؛ کلانتری، تسامح در ادله سنن: قاعده ای ناکارآمد، ۱۴.

۲. ابن درید، جمهره اللغه، ۱/ ۳۶۲؛ ابن فارس، معجم مقاییس اللغه، ۱/ ۳۹۴؛ راغب اصفهانی، مفردات، ۱۸۰.

۳. حرعاملی، وسائل الشیعه، ۱/ ۸۱.

۴. مکارم شیرازی، انوار الاصول، ۳/ ۸۲.

۵. مامقانی، مقباس الهدایه، ۱/ ۱۹۷.

۶. کریمیان، اعتبار سنجی و مفهوم شناسی احادیث من بلغ، ۱۰.

بیان می‌دارد تا در عمل به مؤدای اخبار معتبره، با امید به فضل الهی به سکون قلبی دست یابند. بهره مکلفان از ثواب در صورت عدم مطابقت مفاد اخبار با واقع، از طریق تفضل الهی تضمین شده است.^۱

پس این اخبار ناظر به جنبه عمل پس از صدور آن هستند. به دیگر سخن، ثواب مندرج در اخبار من بلغ را نمی‌توان ناظر به استحقاق عامل به عملی دانست که می‌پندارد عملی مثاب انجام می‌دهد، بلکه این ثواب، تفضل الهی است.^۲ چراکه چون در برای انجام عملی که از طریق معتبر به دست رسیده و در عین حال مطابق با واقع نبوده، ثواب در نظر گرفته شده است. و تبیین ثواب و عقاب برای اعمال موضوعی است که علم کلام متکفل بحث درباره آن است. از این نظر مفاد اخبار من بلغ، بیانگر مسأله‌ای کلامی خواهد بود.^۳ در دیدگاهی مشابه، اخبار من بلغ توسط صادقین (ع) صادر شدند تا بهره مندی افراد از ثواب را در حالتی تضمین کنند که فرد در اثر وجود احادیث مختلف، به مفاد یکی از آنها عمل کرده و بعداً معلوم میشود که عمل به مفاد آن حدیث صحیح نبوده است.^۴

بررسی و نقد

عباراتی مانند « مَنْ بَلَغَهُ ثَوَابٌ... » و « مَنْ سَمِعَ شَيْئاً مِنَ الثَّوَابِ عَلَى شَيْءٍ »^۵ (ر.ک: کلینی، الکافی، ۳/ ۲۲۵) از حیث راه دریافت ثواب، مطلق بوده و در ظاهر اختصاصی به دریافتن حدیث ضعیف یا غیر ضعیف ندارد. گرچه احتمال انصراف آن به فرد اکمل و صحیح یعنی اخبار رسیده از طرق معتبره، منتفی نیست؛ اما به سادگی نمی‌توان از اطلاق عبارات پیش‌گفته دست شست. امام صادق (ع) در توصیه‌ای به محمد بن مسلم نیز ملاک مخالفت با خبر را وضعیت راوی آن ندانسته‌اند، بلکه محتوای خبر است که نیاز به نقادی دارد.^۶ در حدیث مرفوع دیگری از حضرت مسیح (ع) نقل شده که فرمودند: « خُذُوا الْحَقَّ مِنْ أَهْلِ الْبَاطِلِ وَلَا تَأْخُذُوا الْبَاطِلَ مِنْ أَهْلِ الْحَقِّ كُونُوا نَقَادَ الْكَلَامِ ».^۷

عمل کردن به مفاد یک گزاره، ملازمه تام و انحصاری با دریافتن آن از طریق فرد موثق ندارد. بلکه در امور روزمره- بنا بر اهمیت موضوع- احتمالی جزیی هم سبب انگیزش برای عمل یا سکون می‌گردد. برای نمونه احتمال کسب منفعتی بزرگ از راهی که شخصی غیر موثق هم خبر می‌دهد، انگیزاننده برای پیمودن آن راه خواهد بود. بر اساس این دلایل، منحصر نمودن مدلول اخبار من بلغ به اخبار صحیح، پذیرفتنی نبوده و حق این است که اخباری که از نظر اصطلاحی، صحیح

۱. ابن طاووس، اقبال الاعمال، ۲/ ۶۰۹؛ روحانی، زبدة الاصول، ۴/ ۳۵۹.

۲. ن.ک: بروجرودی، حاشیه علی الکفایه، ۲/ ۲۵۱؛ روحانی، منتقى الاصول، ۴/ ۵۲۵.

۳. روحانی، منتقى الاصول، ۱/ ۳۹؛ مکارم شیرازی، انوار الاصول، ۳/ ۷۷.

۴. سید ناری و ستاری، روایات من بلغ راهبردی از سوی صادقین علیهما السلام، ۲۰۳-۲۰۴.

۵. ر.ک: کلینی، الکافی، ۳/ ۲۲۵.

۶. مجلسی، بحار الانوار، ۲/ ۲۴۴.

۷. برقی، المحاسن، ۱/ ۲۲۹.

ارزیابی نمی‌شوند هم در شمار مواردی قرار گیرند که ثواب بیان شده در آنها، انگیزاننده انجام عمل خواهد بود. در این باره در بخش ۴-۱ بیشتر سخن گفته خواهد شد.

برخی بر این باورند که عبارت « مَنْ سَمِعَ » در برخی از اخبار من بلغ^۱ بیانگر انحصار دریافتن گزاره‌ها از طریق اخباری است که به معصومان (ع) منتسب می‌گردد. علت این برداشت، قرینه دادن سایر اخبار من بلغ است.^۲ بدین ترتیب، بلوغ ثواب تنها از راه اخبار حسی مایه عمل به مؤدای آنها خواهد شد و بلوغ ثواب از طریق اخبار حدسی مانند فتوای فقیه و اجماع منقول از محل بحث خارج خواهند بود. اما این استدلال نیز استوار به نظر نمی‌رسد. چراکه حذف تنها در یک روایت عبارت « مَنْ بَلَغَهُ عَنِ النَّبِيِّ (ص) شَيْءٌ فِيهِ الثَّوَابُ » آمده و سایر روایات به گونه‌ای عام بیانگر بلوغ ثواب هستند. هم چنین، ایصال گزاره در بردارنده عمل خیر تنها از طریق شنیدن نیست. بر این اساس می‌توان دریافت که آن روایت خاص تنها بیانگر یکی از راههای بلوغ ثواب است.

هم چنین نمی‌توان به سبب بحث از ثواب در اخبار من بلغ، لزوماً آنها را بیانگر حکمی کلامی دانست. چراکه حذف اگر بنا باشد هر آنچه مربوط به ثواب و عقاب است، مسأله‌ای کلامی دانسته شود، لازم می‌آید که بسیاری از مباحث فقهی نیز در شمار مسائل کلامی قرار گیرند. به نظر می‌رسد، مفهوم « اصل ثواب و عقاب در قیامت » به نحو کلی، از مسائل دانش کلام باشد نه مصادیق اعمالی که برای آنها ثواب یا عقاب در نظر گرفته می‌شود.

۴. دیدگاه برگزیده

بر اساس آنچه گفته شد، هر یک از رهیافت‌های گوناگون فقهی، اصولی و کلامی به اخبار من بلغ با چالش‌های روبرو هستند. در این بخش کوشش شده تا استظهاری نوین از این اخبار ارائه شده و گستره روا بودن بهره از این استظهار تبیین گردد.

۴-۱. تبیین دیدگاه برگزیده و برهان معقولیت

به حکم خرد رشد آدمی و بهره‌گیری از قوانین دانش احتمال، برخی رفتارهای نامخالف با آموزه‌های دینی، در جلب رضایت پروردگار یا برای در امان ماندن از آسیب‌های احتمالی، موجه خواهند بود. این موجه بودن بر حکم عقل استوار بوده و بر اساس قضیه‌ای شکل می‌گیرد که به «برهان معقولیت» مشهور است. در دانش کلام، از برهان معقولیت، برای اثبات عقائدی چون وجود پروردگار و معاد موجودات، بهره برده می‌شود. بر اساس کاربست این برهان در مباحث معرفت‌شناسی، اعتقاد به وجود پروردگار و پابندی به لوازم این اعتقاد، از عدم چنین اعتقادی، عقلانی‌تر است. چراکه حذف به حکم خرد، نتیجه باور نخست، احتمال بهره‌مندی از سعادت سترگ جاودانه است، اما خدا ناباوری چنین احتمالی را در بر ندارد. به دیگر سخن، اگر خرد به تنهایی و بدون بهره از هیچ دلیل دیگر در میان‌گزینه‌های خدا باوری و خدا ناباوری مخیر باشد، خدا باوری

۱. « مَنْ سَمِعَ شَيْئاً مِنَ الثَّوَابِ عَلَى شَيْءٍ، فَصَنَعَهُ، كَانَ لَهُ أَجْرُهُ وَإِنْ لَمْ يَكُنْ عَلَى مَا بَلَغَهُ » کلینی، الکافی، ۳/ ۲۲۵.

۲. اصفهانی، هدایه، ۴/ ۱۸۸.

را بر می‌گزینند. چون احتمال بهره‌مندی از سعادت اخروی به حدی قابل توجه است که عدم باور به پروردگار را امری زیان‌رسان یا حداقل بی‌ثمر ارزیابی می‌کند.

این برهان با عناوینی چون «عقل محض»، «اصل احتیاط»، «وجوب دفع ضرر محتمل»، «ساختار جالب» و «شرطیه پاسکال» نام بردار است.^۱ استناد به این برهان چنان قدرتمند است که اهل بیت علیهم السلام نیز در مواجهه با خدانا باوران از آن بهره‌می‌بردند.^۲ با وجود اینکه از این برهان در مسائل اعتقادی بهره‌برده می‌شود، گستراندن دامنه‌کاربست آن به سایر کنش‌های آدمی ناروا نخواهد بود. به این بیان که به این بیان که مکلفان در هنگام اراده برای انجام عملی در برابر مولا، دو رویکرد اطاعت یا انقیاد را بر می‌گزینند. رویکرد اطاعت بر دستور مولا و تعلق امر او در شکل یکی از احکام خمس به موضوعی خاص، شکل می‌پذیرد. اما انقیاد در مواردی رخ می‌نماید که دلیل اطمینان‌آفرینی بر تعلق احکام خمس به موضوعی وجود نداشته باشد. در این حالت اگر عمل، به امید تحصیل رضایت مولا و مطلوبیت نزد او انجام شود، انقیاد جریان یافته است.

به باور این جستار، اخبار من بلغ بیانگر مساله‌ای هستند که در حوزه دانش کلام قرار دارد. به این بیان که تضمین ثواب برای عملی که با برهان عقلی، احتمال مطلوبیت آن ثابت می‌شود، از گونه اعتقاداتی است که باور یا عدم باور به آن، بر منظومه عملی فرد اثر گذار خواهد بود. به دیگر سخن، پی‌رنگ مفهومی اخبار من بلغ و برهان معقولیت امری واحد است. از عباراتی مانند «مَنْ سَمِعَ شَيْئاً مِنَ الثَّوَابِ عَلَى شَيْءٍ» و «مَنْ بَلَغَهُ شَيْءٌ مِنَ الْخَيْرِ» در اخبار من بلغ دانسته می‌شود که احتمال مطلوب بودن عملی نزد مولا، صلاحیت لازم برای انجام دادن اعمال بر اساس این احتمال را دارد.

شاید این اشکال به ذهن برسد که بر اساس تقریر برگزیده از این اخبار، صدور این اخبار لغو خواهد بود؛ چراکه با وجود حکم عقل بر بهره‌مندی از برهان معقولیت نیازی به بیان اخبار من بلغ نیست. در پاسخ می‌توان گفت: تبیین همه امور مطلوب شارع به حوزه شرع واگذار نشده است. شریعت در حوزه بیان احکام الزامی، تنها حداقل‌ها را در سپهر احکام بیان کرده است. برای رسیدن به امور مطلوب شارع، از طرق دیگر مانند حکم عقل و حتی آموزه‌های اخلاقی، قصص، مواعظ و تاریخ نیز می‌توان بهره‌برد. گرچه عقل، توان درک ابتدایی میزان ثواب موجود در عمل به مدلول اخبار ضعاف را ندارد ولی در اصل محبوبیت عمل نزد مولا، درک مستقلی دارد.

استظهار پیش گفته از اخبار من بلغ با آیاتی مانند «وَمَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا فَإِنَّ اللَّهَ شَاكِرٌ عَلِيمٌ»^۳؛ «فَمَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا فَهُوَ خَيْرٌ لَهُ»^۴ نیز سازگار است. واژه «تَطَوَّعَ» در این آیات برگرفته از ماده «طوع» است که در دانش لغت‌شناسی به این معنا آمده است:

۱. میناگر، روش‌شناسی صدر المتالهین، ۷۰.

۲. برای نمونه ر.ک: کلینی، الکافی، ۱/۱۹۴.

۳. بقره: ۱۵۸.

۴. بقره: ۱۸۴.

«اطاعت از پروردگار در اعمال غیر واجب؛ به گونه‌ای که ترک آنها عقوبتی را در پی ندارد».^۱ نکره بودن واژه «خیراً» در سیاق شرعی نیز، بر عمومیت هر عمل شایسته‌ای دلالت دارد. اطلاق آیات نیز سبب عدم انحصار انجام نیک به اعمال شرعی معتبر می‌گردد. در این حالت، بر عملی که به امید ادراک واقع و بدون در نظر داشتن استحباب شرعی و امر مولوی انجام شود، به جهت تلاش در راه جلب مطلوبیت مولا، ثواب تعلق می‌گیرد.

هم چنین باور به انجام عمل به امید مطلوب بودن نزد شارع، دچار اشکالات مربوط به دیدگاه باورمندان به جعل حکم استحبابی نخواهد بود. چراکه چون در این رویکرد، حداقل می‌توان برای حُسن فاعلی انجام دهنده اعمال محتمل المطلبویه ثواب در نظر گرفت و از این طریق بهره مندی وی از ثواب را توجیه نمود.

برخی بر این باورند که نمی‌توان از حکم عقل برای اثبات جواز عمل به اخبار ضعیف بهره برد. به این بیان که در قاعده تسامح دو احتمال متصور است: (۱) مستثنا دانستن اخبار حاوی احکام غیر الزامی از شرایط حجیت اخبار آحاد و (۲) اثبات استحباب توسط روایت ضعیف.^۲ برای منتفی بودن احتمال اول به ناروا بودن دخالت عقل در حوزه شرائط حجیت اخبار آحاد استناد می‌شود. احتمال دوم نیز به سبب عدم توانمندی عقل برای اثبات حکم شرعی استحباب، منتفی خواهد بود، پس نمی‌توان از عقل به نحو مستقل برای اثبات قاعده تسامح بهره برد.^۳

اشکالات پیش‌گفته استوار به نظر نمی‌رسند. چراکه به این بیان که استظهار مبتنی بر احتیاط عقلی در مواجهه با اخبار من بلغ به معنای لغو شرایط پذیرش اخبار آحاد یا اثبات استحباب نیست. بلکه در این رویکرد، اخبار من بلغ بر این نکته رهنمون هستند که اگر از طریق خبر ضعیف، ثواب عملی دانسته شود، می‌توان بدون انتساب آن به شرع، با بهره از حکم عقل، به امید مطلوب بودن آن نزد مولا به انجام آن عمل مبادرت نمود. این عمل فی الجمله عقلایی می‌نماید.

۴-۲. شرایط لازم برای عمل به گزاره‌هایی منقول از ناقلان غیر موثق

در قسمت پیشین، ادله عمل به شنیده‌های محتمل المطلبویه تبیین گردید. با این حال به حکم عقل، عمل بر هر گزاره محتمل المطلبویه روا نخواهد بود و لازم است شرایط و ضوابطی برای اینگونه از گزاره‌ها در نظر گرفت تا از آسیب‌هایی مانند سهل انگاری در امور دینی، ایجاد هرج و مرج دینی و گسترش خرافات جلوگیری شود. در این بخش، ضوابطی، بیان خواهند شد که با وجود آنها مانعی برای عمل به گزاره‌های پیش‌گفته می‌گردد. به دیگر سخن، رابطه این ضوابط با شنیده‌های محتمل المطلبویه از گونه «به شرط لا» است.

۱. راغب، مفردات، ۵۳۰؛ طباطبایی، المیزان، ۱/ ۳۸۵.

۲. فاضل لنکرانی، قاعده التسامح، ۳۰.

۳. همان، ۳۰-۳۱.

۱-۲-۴. عدم انتساب عمل به احکام شرعی

همانگونه که در نقد باور به استحباب شرعی اعمال مندرج در اخبار ضعیف گفته شد، استناد حکم شرعی به عملی نیازمند وجود ادله معتبر است. ممکن است چنین به نظر آید که انجام عمل بر اساس خبر ضعیفی که برای آن عمل وعده ثواب داده شده است هم ناگزیر سبب انتساب عمل به شریعت خواهد شد. چراکه زیرا فرد برای انجام اعمال محتمل المطلوبیه، ناچار است وجهی برای عمل خود قصد نماید. برای نمونه اگر در خبر ضعیفی برای انجام نمازی خاص، قوایی ثوابی وعده داده شده باشد، شخص باید برای نیت استحباب برای اقامه آن نماز در نظر بگیرد. پس احتمال مطلوبیت به حکم عقل نیز، با انتساب عمل به حکم شرعی غیر الزامی ملازم خواهد بود.

در پاسخ به این اشکال می‌توان گفت برای انجام اعمالی که احتمال مطلوبیت در آنها وجود دارد، نیازی به قصد استحباب یا پرهیز از کراهت نیست. بلکه تنها می‌توان آنها را به امید مطلوبیت عندالشارع انجام داد. سزایمانند یادکرد است که انگاره تسامح در پذیرش اخبار حاوی فضائل و عمل به آنها به نیت استحباب، سبب گسترش فضای ایجاد رفتارهای سلیقه‌ای می‌گردد. پیدایش اموری نوین در گستره شریعت به بهانه دستیابی بر ثواب، مهم‌ترین آسیب این رویکرد ارزیابی می‌شود. بی‌ضابطه بودن عمل به هر گزاره محتمل المطلوبیه سبب ایجاد فضایی می‌شود که به پیدایش بدعتها می‌انجامد. از همین رو لازم است که عمل‌کننده به مؤدای اخبار ضعیف، عمل خود را بدون قصد الحاق به احکام شرعی یا انساب آن به آموزه‌های شریعت انجام دهد. امامان نیز از عدم انتساب مفاد هر گزاره حدیث‌نمایی به شرع زنهار داده‌اند. برای نمونه امام عسکری (ع) در پاسخ پرسشی درباره عمل به کتب بنو فضال چنین فرمودند: «خُذُوا بِمَا رَوَوْا وَ ذَرُّوا مَا رَأَوْا»^۱. از این رویکرد چنین برمی‌آید که گزاره‌هایی که اطمینانی به انتساب آنها به معصوم (ع) وجود ندارد را نمی‌توان گزاره‌ای شرعی به شمار آورد. پس، مهم‌ترین ضابطه برای روا بودن انجام اعمال مندرج در اخبار ضعیف، در نظر داشتن اصل «عدم انتساب عمل به شریعت» است.

۲-۲-۴. وجود نداشتن معارض معتبر شرعی یا عقلی

مجموعه آگاهی‌های بشری به اعتبار منبع دریافت آنها قابل تقسیم به دو دسته معارف متکی بر خرد و معارف نقل محور هستند. در گستره موارد عقلی، علاوه بر بدیهیات عمومی می‌توان باورها، مقبولات و مسلمات کلی نزد همه انسان‌های عاقل را عنصرهای خرد محور دانست. آن دسته از معارف عقلی بشر را می‌توان معتبر دانست که قابل اثبات توسط خردمندان دوره‌های مختلف باشند. مراد از معیار عقلی در قامت سنجه‌ای برای اعتبار یابی حدیث، گوهری فطری و خدادادی در وجود همه آدمیان است که برای ترازیدن حدیث، گاه از بدیهیات بهره می‌گیرد گاه از برهان‌هایی با ماده و صورت برآمده از عقل.^۲ هم چنین، شماری از معارف نقلی نیز در مقایسه با سایر آموزه‌ها، جنبه‌ای بنیادین دارند. این مفهوم با تعبیری چون محکومات دین، اصول شریعت، ضروریات ثابت کتاب و سنت، شاهدهی از کتاب، اصول کلی به دست آمده از قرآن و سنت،

^۱. طوسی، الغیبه، ۳۹۰.

^۲. محقق گرگمی و دلبری، گونه‌شناسی بهره‌وری از عقل مستقل در نقد روایات، ۱۵۲.

منطق قرآن، حکم ثابت قرآنی، مضمون آیات قرآن، روح اسلام و مقاصد آیات در آثار اندیشمندان شیعی قابل بازیابی است.^۱ ناروا نیست که گفته شود هر گزاره اطمینان آفرین مستند به شریعت را می توان در قامت سنجه ای برای ترازیدن میزان واقعیت گزاره های محتمل المطلوبیه قرار داد.

مخالفت گزارش های روایی با سنجه های معتبر مبتنی بر خرد رشد یافته یا آموزه های معتبر نقلی، دست مایه ای برای عدم قبول شدن آنها را فراهم می آورد. بر این اساس اگر محتوای حدیثی را نتوان با دلایل موجه عقلی یا نقلی توجیه نمود، نمی توان به صرف احتمال مطلوبیت آن نزد شارع به انجام آن مبادرت نمود. چراکه زیرا مؤلفه احتمال مطلوبیت زمانی تحصیل می شود که محمل عقلی یا شرعی برای عمل به مفاد یک گزاره وجود داشته باشد. برای نمونه اگر در خبر ضعیفی، برای خوردن آب پیاز، ثوابی ذکر شده باشد و مایه گشایش در روزی دانسته شود، نمی توان به مؤدای آن به سبب مطلوبیت نزد مولا عمل نمود. چراکه دلیل عقلی معتبر از شرع یا نقل برای اثبات آن وجود ندارد. به نظر می رسد عمل کردن به هر گزاره ای بدون احراز احتمال موجهی برای مطلوبیت آن، سبب ایجاد هرج و مرج در رفتارهای دینی شده و به ایجاد و گسترش خرافات و امور سست پایه منجر خواهد شد.

۳-۲-۴. عدم اشتها نفاقان به دروغ پردازی و مخالفت با اهل بیت علیهم السلام

گاهی، یافته های رجالی درباره یک راوی به حدی می رسد که عمل نکردن به روایات او از باب احتیاط موجه خواهد بود. چرا که حذف مفهوم «ضعف راوی»، مفهومی کلی و مرتبه پذیر است،^۲ شدت یافتن ضعف، سبب سلب اعتماد به راوی خواهد شد. هم چنین در خور توجه است که رجالیان نخستین، عمل به متفردات روایات ضعیف را جائز ندانسته اند. چرا که حذف بر حسب حکم عقل، منفرد بودن یک راوی ضعیف در نقل حدیثی، احتمال وقوع جعل توسط او را افزایش می دهد. هم چنین، اخباری چون «حُدُوا الْحَقَّ مِنْ أَهْلِ الْبَاطِلِ وَ لَا تَأْخُذُوا الْبَاطِلَ مِنْ أَهْلِ الْحَقِّ كُونُوا نَقَّادَ الْكَلَامِ»،^۳ معیار پذیرش نظرات را نقد محتوای آنها دانسته اند نه تسامح در پذیرش سخنان موافقان یا رد نظر مخالفان.

ممکن است انگاره ای به شکل ذیل رخ نماید: اگر مفاد اخبار من بلغ بر وجود داشتن احتمال مطلوبیت عملی نزد مولا رهنمون است، پس اعتماد به خبر هر شخصی - ولو متهم به جعل - هم، روا خواهد بود. چرا که زیرا احتمال مطلوبیت به نحو کامل منتفی نیست. در پاسخ به این پرسش می توان گفت که احتمال جعلی بودن سخن شخصی که به دروغ پردازی شهرة است، احتمالی در خور توجه است. وجود همین احتمال، بی ثمر بودن عمل به مؤدای اخباری که شخص متهم به جعل بیان می کند را تقویت می سازد. به دیگر سخن، پذیرش گزاره ای که فردی دروغ پرداز بیان می کند، با سیره عقلاء سازگار نیست.

۱. برای نمونه ر.ک: طباطبایی، المیزان، ۱/ ۲۴۲، ۳۰۱؛ سیستانی، الرافد فی علم الاصول، ۱۱.

۲. غلامعلی، تضعیف راویان، ۱۱۱.

۳. برقی، المحاسن، ۱/ ۲۳۰.

اگر ثابت شود فردی حدیث‌ساز است، به سخنان او نمی‌توان اعتماد نمود. نمونه‌ای از حدیث‌سازی، درج احادیث ساختگی در لابلای کتب معتبر حدیثی است که آنرا «دس» می‌نامند. امام صادق (ع) درباره ارتکاب دس توسط مغیره بن سعید چنین فرمودند: «فَإِنَّ الْمُغِيرَةَ بْنَ سَعِيدٍ لَعَنَهُ اللَّهُ دَسَّ فِي كُتُبِ أَصْحَابِ أَبِي». ^۱ در مواردی نیز اصحاب آگاه ائمه از جریان وضع توسط عده‌ای خبر می‌دادند. برای نمونه، محمد بن موسی همدانی پیرامون دهقان عروه چنین می‌گوید: «أَنَّ عُرْوَةَ بْنَ يَحْيَى الْبُغْدَادِيَّ الْمَعْرُوفَ بِالْدُهْقَانِ لَعَنَهُ اللَّهُ وَكَانَ يَكْذِبُ عَلَى أَبِي الْحَسَنِ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ الرُّضَا (ع) وَ عَلَى أَبِي مُحَمَّدٍ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ (ع) بَعْدَهُ». ^۲ بر این اساس، پرهیز از عمل نمودن به سخنان واضعان و جاعلان، نه تنها به حکم عقل بلکه به سبب تاکید امامان (ع) و اصحاب ایشان، عملی خردمندانه خواهد بود، هر چند احتمال ضعیفی در صحت سخنان ایشان وجود داشته باشد.

افراد دیگری چون نوح بن ابی مریم، محمد بن سعید، احمد جویباری، محمد بن عکاشه مشهورترین چهره‌های جریان حدیث‌سازی هستند که با بیان احادیث ساختگی ثواب برای انجام اعمالی خاص، سعی در ترویج این اعمال داشتند. ^۳ کرامیه نیز احادیثی برای ترغیب به انجام برخی اعمال و ترهیب از برخی دیگر جعل می‌کردند. ^۴ برخی معتقدند خدا ناباوران درین راستا، چهارده هزار خبر جعل کردند. ^۵ بر این اساس، اخبار ضعیفی که توسط راویان کذاب و جاعل بیان شده‌اند، قابل پذیرش نیستند.

نتیجه‌گیری

بر اساس آنچه گفته شد، دستاوردهای نوشتار حاضر به شرح ذیل است:

۱. اثبات استحباب شرعی به نحو اولیه یا ثانویه با استناد به اخبار من بلغ با اشکال نیازمندی اثبات احکام خمسه به ادله معتبر شرعی روبروست. در حالیکه گزاره‌هایی با راویان ضعیف را نمی‌توان لزوماً ادله معتبر دانست.
۲. تنظیم بهره‌مندی از ثواب مندرج در اخبار ضعیف با جعاله ناروا ارزیابی می‌گردد. چرا که چون در جعاله، بهره‌مندی از پاداش مربوط به مواردی است که هدف مورد انتظار، محقق گردد؛ در حالیکه در عمل به مؤذای اخبار ضعیف، احتمال مطابقت با واقعیت ناچیز است.
۳. اخبار من بلغ را نمی‌توان مخصّص ادله حجّیت اخبار آحاد در حوزه احکم غیر الزامی دانست. چرا که زیرا براساس مهم‌ترین دلیل بر حجّیت اخبار آحاد یعنی سیره عقلاء، تفاوتی میان احراز شرائط معتبر راوی در موضوعات الزامی و غیر الزامی نخواهد بود.

۱. مجلسی، بحار الانوار، ۲/ ۲۵۰.

۲. کشی، رجال، ۵۷۳.

۳. قرطبی، الجامع لاحکام القرآن، ۱/ ۷۸؛ معرفت، التفسیر و المفسرون، ۲/ ۶۸.

۴. حسن، المنار فی علوم القرآن، ۲۱۶.

۵. ابن جوزی، الموضوعات، ۱/ ۲۰.

۴. اطلاق مفاهیمی چون بلوغ و استماع در اخبار من بلغ، بیانگر آن است که دریافتن گزاره، منحصر به کسب آنها از راوی عادل یا ثقة نیست. از این نظر رویکرد کلامی به اخبار من بلغ - به معنای زدودن تشویش درونی مکلفان عاملان به اخبار معتبر - ناتمام خواهد بود.
۵. اخبار من بلغ رهنمون بر حکم ارشادی عقل بر انجام اعمالی است که احتمال مطلوبیت آنها وجود دارد. وجود احتمالی ناچیز می تواند انگیزاننده ای برای انجام اعمال و درک ثواب باشد. بهره مندی از ثواب نیز به جهت حسن فاعلی، قابل توجیه است.
۶. عمل به گزاره های محتمل المطلوبیه تنها با احراز سه شرط ذیل روا خواهد بود: (۱) عدم انتساب عمل به آموزه های شرعی و اتصاف آن به استحباب یا کراهت؛ (۲) عدم اشتها ناکلان گزاره ها به کذب، جعل و مخالفت با اهل البیت علیهم السلام و (۳) وجود نداشتن دلیلی معتبر شرعی یا عقلی در مخالفت با گزاره ها.

منابع و مآخذ

قرآن حکیم.

۱. ابن جوزی، عبد الرحمن. الموضوعات من الاحادیث المرفوعات. ریاض: مکتبه اضواء السلف، ۱۴۱۸ق.
۲. ابن درید، محمد بن حسن، جمهرة اللغة، بیروت: دار العلم للملایین، ۱۹۸۸ م.
۳. ابن طاووس، علی بن موسی، إقبال الأعمال، تهران، دوم، دار الکتب الاسلامیه، ۱۴۰۹ ق.
۴. ابن فارس، احمد بن فارس، معجم مقاییس اللغة، قم: اول مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ق.
۵. اصفهانی نجفی، محمد تقی بن عبدالرحیم، هدایه المسترشدین، قم: دوم، اسلامی، ۱۴۲۹ق.
۶. انصاری، مرتضی، رسائل فقهیه، قم: اول، المؤتمر العالمی بمناسبه الذکری المئویه الثانيه لمیلاد الشیخ الانصاری، ۱۴۱۴ق.
۷. آخوند خراسانی، محمد کاظم، کفایه الاصول، قم: اول، دارالفکر، ۱۳۹۳.
۸. آشتیانی، محمد حسن، بحر الفوائد فی شرح الفوائد، بیروت: مؤسسه التاريخ العربی، ۱۴۲۹ق.
۹. بجنوردی، حسن، القواعد الفقهیه، قم: الهادی، ۱۴۱۹ق.
۱۰. بحرانی، یوسف بن احمد، الحقائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة، قم: مؤسسه النشر الإسلامی، ۱۳۶۳.
۱۱. برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، قم: دوم، ۱۳۷۱ق.
۱۲. بروجردی، سید حسین، حاشیه علی الكفایه الاصول، قم: انصاریان، ۱۴۱۲ق.
۱۳. حر عاملی، محمد بن حسن، الفصول المهمه فی أصول الأئمة، قم: اول، مؤسسه معارف اسلامی امام رضا (ع)، ۱۴۱۸ق.
۱۴. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة، قم: اول، آل البیت، ۱۴۰۹ق.

۱۵. حسن، محمد علی، المنار فی علوم القرآن مع مدخل فی اصول التفسیر و مصادره، بیروت: مؤسسه الرساله، ۱۴۲۱ق.
۱۶. حسینی مراغی، عبدالفتاح، العناوین الفقہیہ، قم: جامعہ مدرسین، ۱۴۱۷ق.
۱۷. حکیم، سید محمد سعید، المحکم فی اصول الفقہ، بیروت: دوم، مؤسسه المنار، ۱۳۹۲.
۱۸. خاتون آبادی، محمد بن علی، متن کامل اربعین شیخ بهایی، تهران: فراہانی، ۱۳۹۳ش.
۱۹. خویی، سید ابوالقاسم، مصباح الاصول، تقریر سید محمد حسینی بهسودی، قم: مکتبہ الداوری، ۱۴۱۷ق.
۲۰. خویی، سید ابوالقاسم، دراسات فی علم الاصول، تقریرات سید علی ہاشمی شاهرودی، قم: مؤسسه دائرہ المعارف فقہ اسلامی بر مذهب اہل بیت علیہم السلام، ۱۴۱۹ق.
۲۱. راغب اصفہانی، حسین بن محمد، مفردات ألفاظ القرآن، بیروت: اول، دارالقلم، ۱۴۱۲ق.
۲۲. روحانی، سید صادق، زبده الاصول، قم: کلبہ شروق، ۱۴۳۲ق.
۲۳. روحانی، سید محمد، منتفی الاصول، تقریرات عبدالصاحب حکیم، قم: دفتر آیہ اللہ سید محمد حسینی روحانی، ۱۴۱۳ق.
۲۴. سبحانی، جعفر. الرسائل الأربع: قواعد أصولية و فقہية (التسامح في أدلة السنن)، قم، مؤسسه امام صادق علیہ السلام، ۱۴۱۵ق.
۲۵. سید ناری، سید طاہرہ و حسین ستاری، (۱۴۰۱ق)، «روایات من بلغ راہبردی از سوی صادقین علیہما السلام در برابر اختلاف حدیث»، علوم حدیث، شماره ۱۰۶، صص ۱۱۹-۲۱۱؛ زمستان.
۲۶. سیستانی، سید علی، الرافد فی علم الاصول، بیروت: دار المؤرخ العربی، ۱۴۱۴ق.
۲۷. شہید ثانی، زین الدین بن علی، الدرایہ فی علم مصطلح الحدیث، نجف: مطبعہ النعمان، بی تا.
۲۸. شیخ بہایی، محمد بن حسین، الحیل المتین فی احکام الدین، قم: کتابفروشی بصیرتی، اول، ۱۳۹۰ق.
۲۹. صافی گلپایگانی، علی، المحجہ فی تقریرات الحجہ، بحوث فی اصول الفقہ، قم: مؤسسه انتشارات حضرت معصومہ (س)، بی تا.
۳۰. صدر، محمد باقر، بحوث فی علم الاصول، قم: مؤسسه دائرہ المعارف اسلامی، ۱۴۱۷ق.
۳۱. طباطبائی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت: در احیاء التراث العربی، ۱۳۹۰ق.
۳۲. طوسی، محمد بن حسن، الغیبه (للطوسی)، قم: دار المعارف الاسلامیہ، ۱۴۱۱ق.
۳۳. عراقی نجفی، عبدالنبی، الغوالی الثالی فی فروع العلم الاجمالی، قم: چاپخانہ قم. بی تا.
۳۴. غلامعلی، مهدی، تضعیف راویان، مشهد: بنیاد پژوهشہای اسلامی، ۱۳۹۹.
۳۵. فاضل لنکرانی، محمدجواد، قاعدة التسامح في أدلة السنن، قم: مرکز فقہی انمہ اطہار (ع)، ۱۳۹۵.
۳۶. قرطبی، محمد بن احمد، الجامع لاحکام القرآن، تهران: ناصر خسرو، ۱۳۶۴ش.

۳۷. کریمیان، محمود، (۱۳۹۷)، «اعتبار سنجی و مفهوم شناسی احادیث من بلغ»، حدیث حوزه، بهار و تابستان، صص ۲۱-۷.
۳۸. کسّی، محمد بن عمر، رجال الکشی، مشهد: دانشگاه مشهد، ۱۴۰۹ق.
۳۹. کلانتری، علی اکبر، (۱۳۸۹)، «تسامح در ادله سنن، قاعده‌ای ناکار آمد»، علوم اسلامی، شماره ۱۷؛ صص ۲-۲۲.
۴۰. کلینی، محمد بن یعقوب، کافی (ط - دار الحدیث)، قم: اول، دار الحدیث، ۱۴۲۹ق.
۴۱. مامقانی، عبدالله، مقباس الهدایه، قم: آل البيت، ۱۴۱۱ق.
۴۲. مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار بیروت: دوم، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
۴۳. محقق گریفی، البرز و سید علی دلبری، (۱۴۰۱)، «گونه شناسی بهره‌وری از عقل مستقل در نقد روایات»، دانشگاه الزهرا (س)، سال نوزدهم، شماره ۵۴، صص ۱۴۷-۱۸۲، تابستان.
۴۴. معرفت، محمد هادی، التفسیر و المفسرون فی ثوبه القشیب، مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ۱۴۱۸ق.
۴۵. مکارم شیرازی، ناصر، انوار الاصول، تقریر احمد قدسی، قم: دوم، مدرسه الامام علی بن ابی طالب (ع)، ۱۴۲۸ق.
۴۶. موسوی خمینی، روح الله، انوار الهدایه فی التعلیقه علی الکفایه، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار حضرت امام خمینی (س)، ۱۴۱۴ق.
۴۷. میناگر، غلامرضا، روش شناسی صدر المتألهین، قم: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۸.
۴۸. میرداماد، محمد باقر بن محمد، الرواشح السماویة فی شرح الأحادیث الإمامیة، قم: دارالحدیث، ۱۳۸۰.
۴۹. میرزای قمی، ابوالقاسم، قوانین الاصول، تهران: مکتبه الاسلامیه، ۱۳۷۸ق.
۵۰. نایینی، محمد حسین، اجود التقریرات، تقریرات سید ابوالقاسم خویی، صیدا: مطبعه الفرقان، ۱۳۵۲ق.